

زمینه‌های فرهنگی اجتماعی روستائیان چالشی برای مدیریت نوین روستایی، نمونه ۳۲ روستای شهرستان سبزوار

دکتر علیرضا حمیدیان

استادیار دانشگاه حکیم سبزواری

چکیده:

منظور از زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی روستائیان بستر و پایه‌ای است که مدیران روستا از آن برخاسته‌اند بدان تکیه دارند و به آن پاسخگو هستند و می‌باید آرمان و ایده‌آل آنان (روستائیان) را نصب‌العین خود قرار دهند.

در این مقاله سعی شده است برخی از کاستی‌های این بستر که به نوبه خود می‌تواند از شتاب مدیران روستایی بکاهد مورد بررسی قرار گیرد. مسائلی همچون سطح سواد، وجود انتظارات فرآانونی، عدم دسترسی به رسانه‌های مکتوب گروهی، شیوه برخورد با متخلفین، ... به عنوان شواهدی و از این کاستی‌ها که بر روند انجام بهینه امور مدیریت روستایی تأثیر می‌گذارد. در سطح ۳۲ روستای شهرستان سبزوار مورد مطالعات میدانی قرار گرفته است - نتیجه حاکی از آن است که زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی روستائیان چندان پذیرای مدیریت تحول‌گرا و مدرن نیست و لذا می‌باید تغییر این بستر و هماهنگ کردن آن با روند تحولات نوین روستایی به عنوان یک عامل مهم مدنظر برنامه‌ریزان توسعه جهت شتاب‌بخشی به حرکت مدیریت نوین روستایی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: مدیریت روستایی، روستا، فرهنگ، توسعه

طرح مسأله:

پرسش اساسی در این پژوهش آن است که آیا مدیریت روستایی علاوه بر چالش‌های بیرونی شبیه کمبود اعتبار، حیطه اختیارات قانونی، هماهنگی‌های اداری و سازمانی و غیره، در درون روستا و به ویژه در حوزه فرهنگی و اجتماعی و طرز تلقی روستائیان با چالشی که بتواند حرکت این مدیریت را کند نماید رووبروست یا خیر؟

ادبیات تحقیق:

۱ - روستا:

روستا عبارت است فضای اجتماعی که در آن با توجه به تراکم نسبی ناچیز جمعیت نوع خاص از فعالیت‌های اقتصادی عمده‌ای فعالیت‌های کشاورزی غلبه دارد در این نوع اجتماع فعالیت‌های بخش صنعت و به خصوص بخش خدمات و بازرگانی محدود است. روابط اجتماعی و اقتصادی سکونت‌گاه‌های روستایی معمولاً در عرصه‌های محدود و مشخص جریان دارد و ساکنان روستایی هویت اجتماعی مشترکی دارند که با نام روستا مشخص می‌شود. (سعیدی، ۱۳۷۷: ۱۸)

۲ - مدیریت روستایی:

مراد از مدیریت (روستایی) تلفین و تنظیم عوامل مختلف طبیعی، انسانی اقتصادی و... در جامعه روستایی است

که تا چند دهه پیش اساس اقتصاد کشور و تأمین‌کننده منابع خزانه کشور بود. (طالب، ۱۳۷۱: ۵)

مدیریت روستایی را می‌توان فرآیند تقویت توسعه پایدار روستایی تعریف کرد به نحوی که در سطوح مختلف جامعه زمینه و محیط مناسبی برای زندگی راحت و کارآمد روستائیان به تناسب ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی فراهم شود در قالب این تعریف کلی می‌توان اهداف خرد زیر را برای مدیریت روستایی در نظر گرفت.

۱ - نوسازی و بهسازی محیط فیزیکی روستایی.
۲ - هدایت و نظارت بر فرآیند عمران روستایی.
۳ - ارتقاء شرایط کار و زندگی. (سنندج بخش مدیریت روستایی برنامه چهارم، ۱۳۸۳: ۲)

و سرانجام به عقیده نگارنده، مدیریت روستایی کنونی عبارت است از قدرت تلفین و ترکیب عوامل انسانی، اجتماعی، اقتصادی و طبیعی محیط روستا برای اداره آنچه موجود است و قدرت اندیشه‌ورزی، هدف‌گذاری و ارائه راهکار و سپس پیگیری برای آنچه در مقوله توسعه نوین باید در روستا باشد و اکنون نیست.

۳ - فرهنگ:

فرهنگ‌ها مجموعه‌ای از باورها یا ارزش‌هایی هستند که به روش‌های زندگی معنی می‌دهند و اطلاعات و شکل‌های نمادین تولید می‌کنند و از طریق آنها خود دوباره تولید می‌شوند (مایک گرنگ). Grong mike. (۱۳۸۳: ۴)

دوم در برگیرنده تدوین و تکمیل پرسشنامه، جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده و سپس نتیجه‌گیری نهایی است در این مطالعه از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای مطبق استفاده شده است به گونه‌ای که از ۳۲۰ روستای دارای سورای روستایی شهرستان سبزوار^۱ ۳۲ روستای نمونه برگزیده شده است و برای انتخاب روستاهای نمونه نیز معیارهایی نظیر مسائل جمعیتی، مرکزیت دهستان و وضعیت توپوگرافیک مدنظر قرار گرفته است. هم‌چنین با عنایت به فرمول کوکران حجم نمونه برای اهالی روستاهای مورد نظر معادل ۳۶۷ فقره محاسبه شده است. که عملاً تعداد پرسشنامه‌های تکمیل گردیده بسیار بیشتر از عدد فوق بوده است.

در این تحقیق میدانی در سه سطح شوراهای روستایی، دهیاران و مردم روستا اقدام به تکمیل پرسشنامه شده است. و در دو مورد نخست علاوه بر پرسشنامه مصاحبه آزاد نیز صورت گرفته است.

فرهنگ: مجموعه به هم پیوسته‌ای شامل دانستنی‌ها، اعتقادها، هنرها، اخلاقیات، قوانین، آداب و رسوم، عادات و هرگونه توانایی دیگری است که انسان به عنوان عضوی از جامعه به دست می‌آورد. (وثوقی، متصور، ۱۳۸۴: ۲۱)

۴ - توسعه:

اگر مدیریت روستایی خود ابزاری برای «توسعه» روستاهای باشد که چنین هست پس لاجرم باید مفهوم توسعه را مورد توجه قرار داد مایکل تودارو، Michael.p. Todaro توسعه را جریانی چندبعدی می‌داند که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی مردم و نهادهای ملی و نیز تسريع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است (تودارو، ۱۳۷۰ - ۱۳۶۵).

توسعه به دلیل آن که دستاورده انسان محسوب می‌گردد در محتوا و نمود دارای مختصات فرهنگی است و بر تحول ارگانیک دلالت دارد. هدف از توسعه ایجاد زندگی پر شمره‌ای است که توسط فرهنگ تعریف می‌شود. (میسراء، R.P. Misra ۱۳۶۶: ۶)

شوماخر در این زمینه می‌گوید: توسعه با کالاهای مادی آغاز نمی‌شود با آدمیان و تربیت آنها با سازمان و اضباط آغاز می‌شود. (شوماخر، E.F. Schumacher، ۱۳۶۵ - ۱۳۲۱: ۱۲۱)

فرانسو پرو روی تغییرات روحی و اجتماعی ملت‌ها زیاد تکیه می‌کند و از این‌رو وی معتقد است که ملتی در مرحله توسعه نیافتگی قرار دارد که ترکیب عوامل روحی و اجتماعی آن اجازه بهره‌برداری از منابع اقتصادی را ندهد. (مهران، ۱۳۵۳: ۷۹)

و یاداً دولابلاش جغرافیدان و مورخ امکان‌گرا نیز در زمینه تغییر طرز تلقی و نگرش مردم به عنوان یکی از عوامل مؤثر در توسعه اظهار می‌دارد که «تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌ها می‌تواند به بهره‌برداری بیشتر از امکانات بین‌جامد و یا امکانات کافی در اختیار جوامع انسانی قرار دهد. (شکویی، ۱۳۷۵: ۳۱)

حال با توجه موارد مذکور اهمیت فاکتور فرهنگ و طرز تلقی مردمان در توسعه که هدف مدیران روستایی نیز می‌باشد مشخص می‌گردد.

روش تحقیق:

این پژوهش که در سال ۱۳۸۵ صورت گرفته است همانند سایر پژوهش‌های میدانی دارای دو بخش می‌باشد که بخش اول شامل ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق بوده و بخش

۱- شهرستان سبزوار در حال حاضر به علاوه بر سبزوار به پنج شهرستان جدید دیگر شامل جغتای، جوین، خوشاب، داورزن و ششتند تقسیم شده است و لیکن در زمان مطالعه مجموعاً یک شهرستان را شامل می‌شده است.

جدول ۱: مشخصات کلی روستاهای مورد بررسی در سطح شهرستان سبزوار

سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، شهرستان سبزوار، ۱۳۸۴.

فرضیه تحقیق:

«زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی روستائیان چندان پذیرای مدیریت، تحول گرا و مدرن نیست».

هدف تحقیق:

هدف از این پژوهش شناسایی علل و عوامل ناکارآمدی مدیریت روستا در درون روستا و به ویژه آنچه که در حوزه خردۀ فرهنگ عمومی روستائیان قرار می‌گیرد می‌باشد شناخت این عوامل و آسیب‌شناسی آن می‌تواند مدیران سازمان‌های مربوط به روستا را جهت غلبه بر این ناکارآمدی‌ها و در نتیجه شتاب بخشیدن به توسعه روستاهای یاری نماید.

معرفی مختصر منطقه مورد مطالعه:

منطقه مورد مطالعه شهرستان سبزوار می‌باشد این شهرستان که در غرب استان خراسان رضوی واقع شده است برابر نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ مجموعاً ۴۳۸۵۱۴ نفر جمعیت داشته که از این تعداد در سال مذکور ۵۷ درصد در هفت شهر منطقه سکونت گزیده و ۴۳ درصد در نقاط روستایی می‌زیسته‌اند.

از ۴۹۷ آبادی دارای جمعیت شهرستان تنها در ۳۲۰ آبادی در سال انجام این مطالعه (۱۳۸۵) شورای روستایی دایر بوده است که از این مجموعه ۳۲ روستا جهت بررسی برگزیده شده‌اند. مشخصات کلی روستاهای مورد بررسی در سطح شهرستان سبزوار در جدول شماره ۱ قید گردیده است.



نقشه روستاهای نمونه مورد بررسی شهرستان سبزوار به تکیک بخش و دهستان

بحث و بررسی:

عواملی چون سطح سواد اهالی روستا، وضعیت استفاده از رسانه‌های گروهی مکتوب شیوه برخورد مدیریت روستا با متخلفین، وجود انتظارات فرآقانونی از مدیران روستا و همچنین میزان رضایت اعضای شوراهای روستایی به عنوان شاخص‌هایی برای انجام این پژوهش مدنظر قرار گرفته است که اکنون نتایج این بررسی بیان می‌گردد.

۱ - سطح سواد: ۶۴ درصد از روستائیان در سطح روستاهای مورد بررسی سواد ابتدایی و پایین‌تر از آن داشتند و این نسبت برای روستاهای زیر ۵۰ خانوار به ۳۹ درصد می‌رسید، سهم بی‌سوادان و باسوادانی که فقط خواندن و نوشتن (در حد بسیار مختصر می‌دانستند) در هرم سواد روستاهای مورد مطالعه نیز معادل ۳۹ درصد محاسبه شده است از سوی دیگر معدل سطح سواد اهالی روستاهای مورد بررسی به طور کلی در سال تحقیق معادل ۶۹ درصد بوده است. و حتی روستایی مانند البلاغ در این مجموعه قرار دارد که درصد با سوادان آن ۴۵ درصد بوده یعنی اکثربی اهالی روستاهای مذکور بی‌سواد بوده‌اند.

۲ - میزان استفاده مدیران روستایی از رسانه‌های مکتوب.

برای سنجش میزان کارآئی سطح سواد مذکور در آگاهی مردم روستا اقدام به پرسش دیگری از مدیران روستا گردید نتیجه این پرسش این بود که:

اولاً: ۹۰ درصد از دهیاران مجموعه روستایی مورد بررسی مشترک هیچ روزنامه‌ای نبودند.

ثانیاً: ۸۷/۵ درصد از اعضای شوراهای روستایی مورد بررسی اساساً هیچ روزنامه‌ای دریافت نمی‌کردند. (منبع: پژوهش‌های میدانی)

از مجموعه ۳۲ روستای مورد بررسی تنها در هفت روستا امکان استفاده از اینترنت در سطح محدود وجود داشته است که از این تعداد پنج روستا مرکز دهستان بوده‌اند.

۳ - وجود انتظارات فرآقانونی و نامریوت به شرح وظایف مدیران روستایی از سوی اهالی روستا.

به طور کلی ۹۴ درصد از اعضای شوراهای روستایی مورد مطالعه در ۳۰ روستا اظهار داشتند که انتظارات فرآقانونی روستائیان یکی از گرفتاری‌های آنان است. اهم این انتظارات از دیدگاه اعضای شوراهای روستایی مورد مطالعه به شرح زیر است:

۴ - شیوه برخورد با طرح‌های هادی روستایی: چنانچه اجرای طرح‌های هادی روستایی را جلوه‌ای از مدرن‌تر شدن روستا بدانیم اکنون اجرای این طرح‌ها و سازوکارهای مربوط به آن عرصه تقابل سنت و مدرنیته است چرا که از یک سو جلوگیری از ساخت و سازهای غیرقانونی و رعایت مقررات مربوط به طرح‌های هادی نیازمند سازوکار قانونی خاص خود است. ولی از سوی دیگر عرصه فرهنگی و اجتماعی روستاهای با بافت سنتی و خویشاوندی که وجود دارد و مدیران روستایی هم در همین مجموعه قرار دارند. زمینه مناسبی را ۴۴ جهت اجرای قوانین فراهم نمی‌سازد در همین راستا درصد از اعضای شوراهای روستایی اعلام نموده‌اند که با تخلفات این چنینی برخورد نمی‌نمایند. ۱۹ درصد از آنان سعی در استفاده از روش کدخدامنشی داشتند و تنها ۳۲ درصد تخلفات را به مراجع ذیربیط قانونی اعلام می‌نموده‌اند.

(منبع: پژوهش‌های میدانی)

هم چنین ۷۴ درصد از دهیاران روستاهای مورد بررسی اعلام نموده‌اند که روستائیان از آنها انتظارات نامریوط و فرآقانونی دارند این انتظارات شامل عدم اجرای مقررات مربوط به ساخت و ساز در روستاهای بوده است. هم چنین دهیاران در روستاهای مورد بررسی تأکید داشته‌اند که بیشترین میزان مقاومت روستائیان در برابر آنها که معادل ۴۷ درصد از کل مقاومت روستائیان می‌شده است در زمینه ساخت و ساز و رعایت حریم در روستاهایی است که طرح هادی دارند و بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که عمدۀ مقاومت روستائیان در برابر دهیاران در منطقه مورد بررسی بر می‌گردد به مقوله تغییر بافت فیزیکی روستا و اجرای طرح بهسازی معابر آن . ولذا طرح‌های هادی یا اجرا نمی‌گردد و یا ناقص اجرا می‌شود.

۵ - شیوه برخورد شوراهای روستایی با متخلفین: به هر حال در هر روستا افرادی هستند که تصمیمات شورای روستا را بر نمی‌تابند و در برابر مقررات مخالفت و یا مقاومت می‌نمایند . شیوه برخورد شوراهای روستایی با این افراد چگونه است.

به طور کلی در مواجهه با متخلفین در روستاهای پنج شیوه زیر از دیدگاه اعضای شورای روستایی روستاهای نمونه مورد مطالعه اعمال می‌شد که به ترتیب فراوانی و به صورت درصد به شرح ذیل اعلا می‌گردد.

- تقاضای صدور تأییدیه و یا استشهاد محلی با مهر شورا که موضوع آن غالباً صحت ندارد. ۳۱ درصد.
- انتظار حمایت از یک طرف دعوى در دعاوى خانوادگی ۱۹ درصد.
- ارجاع اختلافات و دعاوى به شورای روستا ۱۹ درصد.
- انتظار حمایت از یک طرف دعوى در اختلافات ملکی ۱۲/۵ درصد.

- انتظار حل و فصل امور مربوط به چرای گوسفندان در مراعع و یا تجاوز به مراعع ۹ درصد.
- انتظار معرفی افراد به کمیته امداد امام خمینی (ره) جهت تحت پوشش قرار گرفتن آنان در صورتی که واجد شرایط مربوط نمی‌باشند ۶ درصد.
علاوه بر این انتظارات دیگر شبیه تقسیم کرد شیمیایی و حتی وصول بهای آن و پی‌گیری جهت وام مسکن افراد و غیره نیز در این لیست منظور شده است. (منبع: پژوهش‌های میدانی)
دکتر طالب در این مورد می‌گوید: موضوع «مهر و مهردار» در بسیاری از روستاهای موجد اختلافات و حتی در مواردی کشمکش گردیده است . زیرا امضاء و مهر شورا بیشترین اثر را در توزیع کالا و معرفی روستائیان به ارگان‌های دولتی داشته، نگهداری مهر شورا نزد روستائیان عضو، مهم‌ترین مسئله شوراهای بوده که خود مقاله تحقیقی جالبی است ولی روی هم رفته با توجه به تجربیات مختلف می‌توان گفت وظیفه اصلی شورا در معرفی افراد برای دریافت اجناس دولتی و یا توزیع مستقیم آن بود به نحوی که سایر وظایف قانونی و حتی آئین‌نامه‌ای را تحت الشعاع قرار داده است (طالب، ۵۴: ۱۳۷۴).

وجود این انتظارات فرآقانونی ضمن آنکه ناشی از خواست مسئولین دولتی بوده است که برای هر مورد و هر موضوعی تأییدیه شورا را طلب می‌کرده‌اند و عملاً شوراهای را تبدیل به بنگاه «تأیید» نموده‌اند. خود به جغرافیای اجتماعی و فرهنگی روستاهای نیز بر می‌گردد. زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی خاصی که سبب می‌شود روستائیان چنین انتظاراتی داشته باشند به گونه‌ای که مقاومت در برابر برخی از این خواسته‌ها موجب تخریب شخصیت مدیران روستایی می‌گردد و شاید بتوان گفت که جو عمومی روستاهای نیز وجود چنین درخواست‌های را محکوم نمی‌کند.

مورد مطالعه) پاسخ مثبت دادند این روستا شامل روستاهای صد خرو، حکم آباد، عبدالآباد، تنک، ابارش، طبس، خطیله و علی آباد ترکان بودند که چهار روستا از هشت روستای یاد شده بزرگ و پر جمعیت و بیش از ۱۵۰۰ نفر جمعیت داشتند و دو روستای طبس و ابارش در معرض ساخت و ساز جدید ویلا و خانه دوم شهر وندان سبزواری قرار داشتند. (منبع: پژوهش‌های میدانی)

۶ - میزان رضایت اعضای شوراهای روستایی از انتخاب
به این سمت: اعضای شوراهای روستایی در سطح روستاهای مورد بررسی در پاسخ به این پرسش که میزان رضایت شما از انتخاب شدن به این سمت چگونه است چنین اظهار نظر نمودند.

اعضای شوراهای روستایی در ۱۳ روستا (۴۱ درصد) گزینه نسبتاً رضایت دارم را انتخاب نموده‌اند. در ۹ روستای دیگر گزینه هیچ رضایتی ندارم برگزیده شده است. هم‌چنین اعضای شوراهای روستایی در ۶ روستا (۱۹ درصد) از انتخاب خود به عنوان عضو شورا «رضایت کمی» داشتند و نهایتاً فقط ۴ شورای روستایی (۱۲/۵ درصد) اظهار داشتند که از انتصاب خود به عنوان عضو شورا به میزان زیادی رضایت دارند. بنابراین می‌توان گفت که حدود ۴۷ درصد از اعضای شوراهای روستایی هیچ رضایتی و یا چندان رضایتی از عضویت خود در شورای روستایی ندارند در حالی که فقط ۱۲/۵ درصد اظهار داشتند که از انتخاب خود به عنوان عضو شورا به میزان زیادی رضایت دارند.

یکی از دلایل عدم رضایت علاوه بر عدم پرداخت حقوق و مزايا وجود انتظارات فراوان و بعض افراد اقانونی از اعضای شوراهای روستایی است که از آن گریزی ندارند و بلکه بعضاً در این رابطه متهم شده و هتك حرمت نیز می‌شوند. علاوه به قولی وقت و بی وقت هم باید پذیرای مراجعت مردم باشند.

۷ - در بررسی‌های دیگری که نگارنده در خصوص رفتار اعضای شوراهای روستایی در همین منطقه داشتم نتایج حاصله به گونه‌ای بود که می‌تواند این مقاله را کاملاً پشتیبانی کند.

نتیجه بررسی‌های یاد شده حاکی از آن بود که شوراهای روستایی که تحصیلات کمتری داشته و حرفه کشاورزی داشتند رفتاری نزدیک به تغوری خردش فرهنگ دهقانی را جرز از خود نشان می‌دادند. اینان تقدیرگرتر بودند به عامل زمان

- با مسأله برخوردی نمی‌کنیم (حدود ۴۴ درصد از شوراهای روستایی).

- به شیوه کادخدامنشانه سعی در مقاعده کردن مردم داریم. (۱۹ درصد از شوراهای)

- به بخشداری اعلام می‌کنیم (۱۶ درصد از اعضای شوراهای روستایی)

- سایر شیوه‌ها (۵ درصد شوراهای)

۱۶ - معرفی متخلفین به مراجع قضایی و انتظامی (درصد)

برخورد نکردن به معنی رها کردن قضیه است مثلاً در مسأله ساخت و ساز برخورد نکردن به معنی عدم رعایت طرح هادی و حریم معابر و کاربری‌های زمین است. شیوه کادخدامنشی در روستاهایی جواب می‌دهد که اعضای شورای مسن تری داشته باشند از سوی دیگر این شیوه بیشتر در زمینه مسائل سنتی روستا پاسخ می‌دهد تا مسائل جدید مانند ساخت و ساز غیرقانونی . چرا که شیوه کادخدامنشی حیطة وسیع تری از اختیارات را می‌طلبد و گاهی اقتضا می‌کند که از قانون عدول گردد. درخصوص معرفی متخلفین به مراجع ذیربط قضایی و انتظامی به نظر می‌رسد امکان اجرای آن در روستاهای بزرگ که مناسبات خویشاوندی در معرض گستردگی روستا قرار گرفته و رفته رفته کم‌رنگ می‌شود بیشتر فراهم است. از پنج روستایی که این روش را برای برخورد با مخالفین برگزیده بودند ۲ روستا دارای جمعیت هشت‌صد خانوار و ۲ روستای دیگر بالاتر از ۲۰۰ خانوار جمعیت را دارا بودند.

بنابراین به نظر می‌رسد قانون گذاران و مدیران اجرایی باید این اصل را بپذیرند که هر چقدر روستا کوچکتر و بافت قومی یک دست تری داشته باشد امکان مقابله با تخلفات توسط مدیران بومی روستا مانند اعضای شورا از طریق قانونی کم‌رنگ‌تر می‌شود و این مسأله یا نوسازی و مدرنیزاسیون روستا به نوعی منافات دارد. در این روستاهای (روستاهای کوچکتر) بحث افزایش اختیارات شورا و دهیاری مشکلی را نمی‌تواند حل کند بلکه ایجاد تغییرات فرهنگی جهت آمادگی مردم روستا برای پذیرش ایده‌های نو و رعایت مقررات راهگشاتر است.

در پرسش دیگری از پاسخگویان عضو شوراهای روستایی پرسیده شد که آیا تاکنون اقدامی علیه مخالفین انجام داده‌اید. فقط ۸ شورای روستایی (۲۵ درصد از کل روستاهای

زمینه‌های فرهنگی اجتماعی روستائیان چالشی برای مدیریت نوین روستایی.....

می‌رسد. روستائیان برای آماده شدن جهت نقشی که در فرآیند نوسازی روستا بر عهده دارند باید آموزش داده شوند این آموزش می‌باید شرایط ذیل را دارا باشد:

- به لحاظ فلسفی آموزش مهارت‌های زندگی در جامعه‌ای پیشرفته‌تر را دنبال کند.
- از رسانه‌های موجود به ویژه تلویزیون در حد لازم بهره جوید و در این رابطه هم از روش تبلیغ مستقیم از طریق برنامه‌های توجیهی رادیو و تلویزیون استفاده شود و هم روش آموزش غیرمستقیم نظری سریال‌های تلویزیونی به کار گرفته شود.

- روزنامه خواندن و استفاده از فرهنگ مکتوب نزد باسواندن روستایی با مشوق‌های لازم تبلیغ شود حتی اگر لازم باشد یارانه‌ای در این زمینه منظور گردد، این اقدام صورت گیرد انجام این مورد می‌تواند به ارتقاء سطح آگاهی‌های عمومی مساعدت نموده خودگامی در جهت آموزش عمومی روستائیان باشد.

۲ - بر گسترش و سهولت دسترسی بیشتر به مراکز آموزشی نظری «دبستان» راهنمایی، دبیرستان در روستاهای تأکید می‌شود هرچند در دهه اخیر توسعه مراکز آموزش در روستا با پذیده «کاهش جمعیت روستاهای» در تضاد قرار گرفته است و چه بسا روستاهایی که مدرسه پنج کلاسه داشته‌اند و اکنون معلم چندپایه دارند و یا مدارس راهنمایی آنان تعطیل و ادغام گردیده است که خود پسرفتی در آموزش و پرورش محسوب می‌گردد و لیکن با توجه به اهمیت مسأله به گمان نگارنده در این زمینه می‌باید برخی از هنگارهای اقتصاد آموزش و پرورش را تغییر داد. باید بتوان دبیرستان‌های کوچکتر و کم‌هزینه‌تر و سهل‌الوصول‌تری از آنچه هست تعریف نمود. این تغییر استانداردها می‌تواند در مدیریت چندگانه، زمان محدودتر، آموزش از راه دور از طریق رسانه‌های گروهی، آموزش نیمه حضوری و یا فراهم کردن امکان انتقال دانش آموزان به مرکز دبیرستان‌های روستایی به‌طور روزانه خلاصه گردد آنچه مسلم است بدون ارتقاء سطح تحصیلات روستائیان نمی‌توان چندان به ارتقاء سطح مدیریت روستایی در روستاهای امیدوار بود. در همین رابطه تأسیس و گسترش دبیرستان‌های دخترانه به دلائل ذیل از اهمیت به سزاگی برخوردار است.

- دختران تحرك فضایی و مهاجرت کمتری نسبت به مردان از روستاهای دارند.

اهمیت کمتری می‌دادند، غالباً قوم‌گرا و خانواده‌گرا بودند، وابستگی بیشتری در امور روستا به دولت نشان می‌دادند، و محلی گر اتر بودند.

بنابراین زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی روستائیان که شوراهای برآیند آن می‌باشند. با توجه به موارد مذکور چندان پذیرای مدیریت تحول‌گرا و مدرن نیست این در حالی است که در روستاهایی که عوامل تأثیرگذار فرهنگی نظری معلمین مقیم روستا، دبیرستان و کتابخانه وجود داشته است زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی روستائیان برای انتخاب مدیران تحصیل کرده‌تر و کارآتر فراهم شده است.

پیشنهادات:

همان‌گونه که بیان شد بررسی‌های به عمل آمده در جریان این پژوهش حاکی از آن است که هنوز بخش قابل توجهی از دیدگاه‌های حتی اعضای شوراهای روستایی با چارچوب نظریه خردۀ فرهنگ دهقانی راجرز قابل تطبیق است این در حالی است که مقوله مدیریت روستایی امروزه که قرار است وظیفه هدایت «نوسازی» روستا را در شرایط جهان کنونی عهده‌دار گردد از جنس کدخدا، و مباشر و مالک و به‌طور کلی مدیریت سنتی روستا نیست. کدخدا آنچه را در روستا بود با استفاده از تجربه خویش هماهنگ می‌نمود و لیکن دهیار روستایی امروز ناگزیر است آنچه را که باید در روستا وجود داشته باشد و غالباً هم موجود نیست ایجاد کند، هماهنگ کند و اداره نماید. اکنون فرآیند نوسازی روستا مستلزم آگاهی و شناخت روستائیان و تغییر طرز تلقی آنان است. برخی گمان می‌کنند که تغییرات فرهنگی کند است و به تناسب با سواد شدن فرزندان روستایی این نیز تحقق می‌یابد نگارنده اعتقاد دارد که اولاً «بودجه زمان» زیادی برای توسعه روستایی در اختیار نداریم و ثانیاً تحریف کرده‌های روستا غالباً در محیط روستا نمی‌مانند تا تأثیرگذار باشند باید برای این تغییر فرهنگی و طرز تلقی روستائیان و آماده نمودن محیط روستا برای پذیرش تحولات مربوط به نوسازی روستا، راه‌های دیگری نیز اندیشید. برای حصول به این نتیجه پیشنهادهای ذیل ارائه می‌گردد:

۱ - تأسیس نهادی ویژه که فعالیت‌های مربوط به آموزش عمومی روستائیان را سامان دهد. و لذا ایجاد «اداره آموزش عمومی» روستائیان در معاونت اجتماعی و یا سازمان دهیاری‌ها و شهرداری‌های وزارت کشور ضروری به نظر

- ۷ - سعیدی، عباس، مبانی جغرافیایی روستایی، ۱۳۷۷، انتشارات سمت، تهران.
- ۸ - شکویی، حسین، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول، انتشارات گیتاشناسی، تهران.
- ۹ - شوماخر E.F.Schumacher، ۱۳۶۵، کوچک زیاست. (اقتصاد با ابعاد انسانی). ترجمه علی رامین، انتشارات سروش، چاپ دوم، تهران.
- ۱۰ - طالب، مهدی، ۱۳۷۱، مدیریت روستایی در ایران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۱۱ - فرمانداری شهرستان سبزوار، ستاد سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان سبزوار، نتایج مقدماتی سرشماری آذرماه ۱۳۸۵.
- ۱۲ - کرنگ، مایک Grang Mike. جغرافیای فرهنگی، ترجمه مهدی قرخلو، ۱۳۸۳، انتشارات سمت، تهران.
- ۱۳ - مصاحبه و تکمیل پرسشنامه با دهیاران روستاهای نمونه شهرستان سبزوار.
- ۱۴ - مصاحبه و تکمیل پرسشنامه با اعضای شوراهای روستایی در ۳۲ روستای نمونه شهرستان سبزوار.
- ۱۵ - مهراز، رحمت...، ۱۳۵۳، جنبه‌هایی از توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، انتشارات زوار، چاپ اول، تهران.
- ۱۶ - میسرا R. P. Misra، ۱۳۶۶، برداشتی نو از مسائل توسعه گزیده‌ای از مسائل اقتصادی و اجتماعی، مترجم و ناشر: مرکز مدارک اقتصادی و اجتماعی وزارت برنامه و بودجه، چاپ سوم، تهران.
- ۱۷ - وثوقی، منصور، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی و فرهنگی روستا، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، ۱۳۸۴، تهران.
- دختران نقش مؤثرتری در تربیت نسل آینده روستایی به عهده خواهند داشت.
- به تناسب افزایش دیبلمهای زن روستایی امکان مشارکت آنان در مقوله مدیریت روستایی افزایش خواهد یافت.
- ۳ - تجدیدنظر در متون دروس اجتماعی دانشآموزان روستایی و یا در صورت امکان اضافه نمودن درس جدیدی تحت عنوان «مهارت‌های زندگی در یک روستای پیشرفته» به فهرست دروس دانشآموزان روستایی، خود یکی از راههای تغییر نگرش روستائیان است. اگر آموزش و پرورش وظیفه تربیت نسل جدید را برای ورود به دنیای پیشرفته تر بر عهده گرفته است باید از جزء اندیشه و تفکر و برنامه کلیشهای در این مقوله دوری نماید و نیاز یک دختر و پسر روستایی را برای زندگی در یک روستای پیشرفته تشخیص دهد و برای آن نیز برنامه‌ریزی نماید.
- ### منابع و مأخذ
- ۱ - تودارو، مایکل Michal P. Todaro، ۱۳۷۰، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، چاپ پنجم، تهران.
 - ۲ - حمیدیان، علیرضا، ۱۳۸۶، مدیریت روستایی و نقش آن در توسعه روستاهای نمونه شهرستان سبزوار، پایان‌نامه دوره دکتری دانشگاه فردوسی مشهد.
 - ۳ - حمیدیان، علیرضا، شوراهای روستایی در بوته تصوری خرد فرهنگ دهقانی راجرز، مجله جغرافیا و توسعه پژوهشکده علوم زمین و جغرافیا، دانشگاه بلوچستان، شماره ۹، بهار و تابستان، ۱۳۸۶.
 - ۴ - حمیدیان، علیرضا، ۱۳۹۰، سیر تحول مدیریت روستایی در ایران، انتشارات دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار.
 - ۵ - سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، معاونت امور دهیاری‌ها، سند توسعه زیربخش مدیریت روستایی در برنامه چهارم توسعه اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۴ - ۱۳۸۴). دفتر طرح و برنامه، تهران، ۱۳۸۳.
 - ۶ - سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور، استان خراسان شهرستان سبزوار (۱۳۸۴)، چاپ اول، تهران.